

از گوشه و کنار

یک روانشناس توضیح داد:

چرایی گرایش برخی مردان به ازدواج بازنانی بزرگتر از خود

یک روانشناس با اشاره به پدیده گرایش برخی مردان به ازدواج با زنان بزرگتر از خود، گفت: احتمال ماندگاری و موفقیت در این نوع ازدواج‌ها در مقایسه با ازدواج‌های متعارف پایین تر است. عزیز الله تاجیک اسماعیلی، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: در این رابطه‌ها خانواده متعارفی شکل نمی‌گیرد چرا که تنها بخشی از کارکرد روانی و اجتماعی خانواده در این نوع ازدواج‌ها انجام می‌شود. اما کارکردهای دیگر آن مانند فرزندآوری، مناسبات عاطفی و اجتماعی و ارتباط عادی و سالم با اقوام و آشنایان در این رابطه ناپایدار و ناکام می‌ماند.

وی با بیان اینکه به طور معمول بر اساس قانون مدنی کشور در خانواده مردان مسوول تامین امرار معاش و نیازهای زندگی هستند و نقش اقتصادی در قانون و نیز فرهنگ سنتی بر عهده مرد است، خاطر نشان کرد: با تحولات اجتماعی این نقش در حال جابه جایی است؛ به طوری که مشارکت زن‌ها در حوزه‌های اقتصادی در حال افزایش بوده و به دنبال آن تعداد زنانی که دارای استقلال اقتصادی هستند نیز در حال افزایش است که این روند سبب شده تا کارکرد اقتصادی تاحدودی در خانواده نیز تغییر کند.

اسماعیلی که ازدواج مردان با زنان بزرگتر از خود را پدیده‌ای جدید در جامعه دانست افزود: زنانی که فرصت بیشتری برای اشتغال دارند می‌توانند توان اقتصادی و مالی نسبی خود را افزایش دهند، در نتیجه زمانی که جامعه فرصت اشتغال بیشتری برای زنان در جامعه فراهم می‌کند گرایش مردان، بویژه در بین کسانی که از توان اقتصادی لازم برای تشکیل زندگی برخوردار نیستند به ازدواج با این زنان بیشتر می‌شود.

وی ادامه داد: تنگناها و مشکلات موجودی که در زمینه ازدواج بر سر راه جوانان وجود دارد باعث شده تا اگر فردی بخواهد در سن دلخواه خود ازدواج کند توان مالی مطلوبی نداشته باشد. از طرفی دیگر با توجه به عرف ازدواج که مردان باید با دختران کوچکتر از خود ازدواج کنند مثلاً اگر دختری با سن ۴۰ سال قصد ازدواج داشته باشد احتمال اینکه بتواند شوهر مناسبی از نظر سنی را انتخاب کند بسیار کم است اما اگر این دختر سنی توان اقتصادی مطلوبی داشته باشند مردانی با توان اقتصادی ناکافی جذب آنها خواهند شد و این مسئله یکی از عوامل تاثیر گذار در این زمینه است. او درباره نوع نگاه جامعه به اینگونه ازدواج‌ها خاطر نشان کرد: به طور معمول سنتهای اجتماعی با این گونه از گرایشها با نگاه متفاوتی برخورد می‌کنند اما ناهنجاریهای اجتماعی همراه با تغییرات اجتماعی باعث شده تا حساسیت‌ها به این موضوع کاهش یابد و به طور کل تغییر کند. این روند اشتناس خاطر نشان کرد: به طور معمول احتمال ماندگاری و موفقیت در این نوع ازدواج‌ها در مقایسه با ازدواج‌های متعارف پایین تر است چرا که در این ازدواج‌ها خانواده متعارف بنابر آنچه ذکر شد شکل نمی‌گیرد.

پیشنهاد پلیس برای استفاده از نگهبان محله

سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ بر ضرورت بهره‌گیری از نگهبانان محله در محلات تاکید کرد. سرهنگ علی آقا کارخانه در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به موقعیت حوزه استحفاظی سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ که مناطق شمالی تهران را تحت پوشش دارد، درباره بیشترین چالش‌های پلیس این مناطق گفت: رؤسای کلانتری‌ها هر کدام موظفند تا نسبت به جرائم و محیط‌های جرم‌خیز حوزه استحفاظی خود آگاه بوده و تمهیدات لازم در این خصوص را پیش‌بینی کنند که خوشبختانه همین اتفاق نیز رخ داده و با اقدامات انجام شده نمی‌توان گفت که چالشی در حوزه انتظامی در این مناطق داریم. وی با بیان اینکه هر مجرمی برای اقدامات مجرمانه، محله‌ای متناسب با هدفش را انتخاب می‌کند، افزود: در این مناطق نیز با توجه به اینکه برخی از ساکنانش تمکن مالی بیشتری دارند، ممکن است سارقان قصد انجام برخی اقدامات مجرمانه را داشته باشند که در همین راستا یکی از موضوعاتی که مردم باید رعایت کنند، استفاده از «نگهبان محله» است.

سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ با بیان اینکه استفاده از نگهبان محله نقش به سزایی در پیشگیری از وقوع جرائم دارد، گفت: در هر کوچه‌ای به طور متوسط ۵۰ تا ۱۰۰ خانواده زندگی می‌کنند و این عزیزان با کمترین هزینه می‌توانند از یک نگهبان محله کمک بگیرند.

هر برنامه‌ای که بچینیم برای خودش بیش‌بینی‌ها و الزاماتی دارد که باید تدارک دیده شوند. یعنی در واقع برای اجرای هر برنامه‌ای، باید برنامه‌ریزان و هدایت کنندگانی باشند. و این اولین اصل فرورفتن در دل یک ماجراست

خب تواتون گرما، هم برای ما و هم برای بچه‌ها، واقعا خسته کننده بود. همه‌مون کلافه شده بودیم. بچه‌ها بیشتر از این که حال شون خوب بشه و شاد بشن، عصبی شده بودن و نق می‌زدند و بهانه می‌گرفتند! «این را مادر یکی از بچه‌های می‌گوید. در حالی که تاکید می‌کنند این آخرین باری است که خودش و بچه‌ها را درگیر چنین برنامه‌فرمالیته‌ای می‌کند که احتمالاً دلیلش فقط نمایش دادن یک عده بچه‌دور هم بود برای دادن این پیام که ما چه قدر خوشیم... که ما چه قدر حال مون خوبه!

تنهادستاورد عکس و سلفی!

والدین و مربیان، مدام با بچه‌ها و با دبادک‌های چینی عکس می‌گرفتند. بالاخره با وجود آن همه خستگی و کلافگی، و تحمل گرما و تشنگی، ایسن عکس‌ها، تنها یادگاری‌هایی بودند که می‌شد آن‌ها را با خود به خانه برد. این هم یکی از آن اتفاقات نمایش است که مابه‌آن‌ها عادت کرده‌ایم؛ این که نه از آن برنامه خاص و نه از حضور و شرکت در آن، که از عکس‌هایی که می‌گیریم و به اشتراک می‌گذاریم، لذت می‌بریم. «نمایش» کار و بار همه ما شده است در هر جا و مکان و مرتبه اجتماعی که هستیم. و البته برای مسئولین؛ دادن گزارش در مورد برگزاری یک جشنواره... جشنواره بادبادک‌ها و اعلام هزینه‌ها. نشان دادن عکس‌ها و فیلم‌های روتوش و ادیت شده به بالادستی‌ها در مورد این کار پر هیجان فرهنگی. ببینید... خوب نگاه کنید... خبرگزاری‌ها هم خبر این و عکس این جشنواره را رفته‌اند. ما چه قدر خوبیم! و چه قدر خوبند این چینی‌ها، که بادبادک می‌سازند... که همه چیز می‌سازند تا ما را سر حال بیاورند. و البته ما هم سر حال و به نشاط هستیم... همه چیز خوب و آرام است. شهر در امن و امان است.

یک روانشناسان حرفه‌ای می‌توانند از آموزه‌ها و تجربیات آنان استفاده کنند تا با راهنمایی‌هایشان به تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی، سرگرمی‌های مورد علاقه فرزندان‌شان پی ببرند و یاد در نظر گرفتن همه جوانب و ویژگی‌ها اوقات فراغتی به یادماندنی برای فرزندان‌شان به ارمان بیاورند.

والدین باید بدانند «اوقات فراغت» یک تربیت و آموزش غیررسمی محسوب می‌شود و بدون تردید این ایام با برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند فرصت‌آرزشمندی برای رشد شخصیت و اعتلای وجود محسوب شود. با این حال اگر علاقمندی و انگیزه فرزندان مورد توجه قرار نگیرد، ایام فراغت می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات رفتاری، انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی شود. بنابر مطالب ذکر شده «اوقات فراغت» زمانی است که با در نظر گرفتن جنبه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین سایر برنامه‌ریزی درست و دقیق براساس میزان علاقمندی فرزندان می‌تواند به فرصت‌آرزشمندی تبدیل شود تا نوجوانان و جوانان توانایی‌ها، استعدادها و مهارت‌های خود را بشناسند و برای شکوفایی هر چه بیشتر آنها تلاش کنند. در همین راستا والدین با کمک و بهره‌گیری از مشاوران و متخصصان می‌توانند برای غنی‌سازی اوقات فراغت فرزندان برنامه‌ریزی هدفمندی داشته باشند و با توجه به انگیزه، خلاقیت و علاقه فرزندان‌شان حداکثر بهره‌ر از این برهه‌ی زمانی ببرند.

جستجو کرده‌بود. و در نهایت این بادبادک را ساخته بود. فکر می‌کرد که باید این طور باشد. چون وقتی با خاله‌اش در این مورد صحبت کرده بود، خاله گفته بود که زمان آن‌ها، یعنی حدود ده پانزده سال پیش، قرار بر همین بود که بچه‌ها با ز قبل بادبادک بسازند یا در محوطه جشنواره، و وسایل بادبادک‌سازی را اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت و آن‌ها با کمک مربی‌های‌شان، با همراه بچه‌های دیگر، بادبادک می‌ساختند و برای ساختن و هوا کردن بادبادک، جایزه می‌گرفتند. خوب با توصیفات خاله، هیجان سینا و یکی دو تاز دوستانش حسابی بالا رفته بود! وقت و انرژی و حتی هزینه زیادی گذاشته بودند و این بادبادک را ساخته بودند... اما...

بچه‌های زیادی همراه والدین یا مربی‌های‌شان به جشنواره و به محوطه برج میلاد آمده بودند، اما از آن چه امثال سینا انتظار داشتند، خبری نبود. اکثر بچه‌ها و بگزارید بگویم همه‌شان، بادبادک‌های‌شان را از چند بادبادک فروشی که در آن جا بود، خریده بودند یا از قبل توسط مربی‌ها تدارک دیده شده بود و طبعاً بادبادک‌های پلاستیکی چینی. بادبادک‌هایی خوش‌ساخت و خوش آب و رنگ. که حالا چندان هم خوب بالا رفتن و یا اصلاً بالا رفتن‌شان، مهم نبود. بیشتر بچه‌ها و والدین و مربیان، درگیر وارکش و واکنش بادبادک، به هم گره خورده بودند! سینا می‌گوید او اولین عکس‌العملش نسبت به آن چه می‌دید، عصبانیت بود: «می‌دونید احساس کردم گولم‌زدن! من و پرهام و مهدی اون همه وقت گذاشته بودیم و زحمت کشیده بودیم. ولی کسی عین خیالش هم نبود. اصلاً کسی حواسش به هیچ چی و هیچ کس نبود! خب اصلاً منظور از جشنواره چیه؟ این که به عده دور هم جمع روشش همین بادبادک هوا کردن باشه. اما هر برنامه‌ای که بچینیم برای خودش پیش‌بینی‌ها و الزاماتی دارد که باید تدارک دیده شوند. یعنی در واقع برای اجرای هر برنامه‌ای، باید برنامه‌ریزان و هدایت‌کنندگان باشند. و این اولین اصل فرورفتن در دل یک ماجراست.

جشنواره اخیر بادبادک تهران، در برج میلاد برگزار شد. سینا می‌گوید از یک هفته پیش، خودش را برای این جشنواره آماده کرده‌بود. انواع روش‌های ساخت بادبادک را از اطرافیان پرسیده بود و در اینترنت،

«شادی و نشاط» این روزها یکی از دغدغه‌های اصلی مردم است. و البته، گاهی نشانی از نگرانی‌هایی در این مورد، در گفتار و رفتار بعضی از مسئولان هم دیده می‌شود: «آن طور که فکر می‌کردیم نبود!»

مجال برای پرواز رویا

«شادی و نشاط» این روزها یکی از دغدغه‌های اصلی مردم است. و البته، گاهی نشانی از نگرانی‌هایی در این مورد، در گفتار و رفتار بعضی از مسئولان هم دیده می‌شود. شکی نیست که مردم با وجود معضلات و درگیری‌های بی‌حد و حصر اقتصادی و معیشتی، در خود فرو رفته‌اند و احساس سرخوردگی می‌کنند. آن‌ها نه فقط فرصت که دلیل برای شاد بودن پیدا نمی‌کنند. این حال و هوای کسل و افسرده‌خمود، بر انیسفر جامعه ما حاکم است. و گاه مسئولی، نهادی، دستی‌برمی‌کند تا شاید تکانی به این فضا بدهد. اما باید پذیرفت که ایجاد تکان و تحرک در جامعه، علاوه بر بهانه، هزینه هم لازم دارد. اما بودجه و هزینه همیشه کم می‌آید.

شاید همین ورزش‌ها و پیاده‌روی دسته‌جمعی باشد. شاید اصلاً یک روشش همین بادبادک هوا کردن باشد. اما هر برنامه‌ای که بچینیم برای خودش پیش‌بینی‌ها و الزاماتی دارد که باید تدارک دیده شوند. یعنی در واقع برای اجرای هر برنامه‌ای، باید برنامه‌ریزان و هدایت‌کنندگان باشند. و این اولین اصل فرورفتن در دل یک ماجراست.

جشنواره اخیر بادبادک تهران، در برج میلاد برگزار شد. سینا می‌گوید از یک هفته پیش، خودش را برای این جشنواره آماده کرده‌بود. انواع روش‌های ساخت بادبادک را از اطرافیان پرسیده بود و در اینترنت،

می‌فهمیم که تمام نشاط و هیجان این جشنواره به پیش از شروع آن و در انتظار کشیدن برای آن، مربوط می‌شود. وقتی از خود جشنواره و و آن چه در طول آن اتفاق می‌افتد، حرف می‌زنند، جز حس خستگی و سرخوردگی، احساس نمی‌شود: «آن طور که فکر می‌کردیم نبود!»

«شادی و نشاط» این روزها یکی از دغدغه‌های اصلی مردم است. و البته، گاهی نشانی از نگرانی‌هایی در این مورد، در گفتار و رفتار بعضی از مسئولان هم دیده می‌شود. شکی نیست که مردم با وجود معضلات و درگیری‌های بی‌حد و حصر اقتصادی و معیشتی، در خود فرو رفته‌اند و احساس سرخوردگی می‌کنند. آن‌ها نه فقط فرصت که دلیل برای شاد بودن پیدا نمی‌کنند. این حال و هوای کسل و افسرده‌خمود، بر انیسفر جامعه ما حاکم است. و گاه مسئولی، نهادی، دستی‌برمی‌کند تا شاید تکانی به این فضا بدهد. اما باید پذیرفت که ایجاد تکان و تحرک در جامعه، علاوه بر بهانه، هزینه هم لازم دارد. اما بودجه و هزینه همیشه کم می‌آید.

جشنواره اخیر بادبادک تهران، در برج میلاد برگزار شد. سینا می‌گوید از یک هفته پیش، خودش را برای این جشنواره آماده کرده‌بود. انواع روش‌های ساخت بادبادک را از اطرافیان پرسیده بود و در اینترنت،

ره آورد جشنواره بادبادک‌ها: گرما، خستگی، تشنگی

به افتخار بادبادک‌های چینی!

به اخبار مختلف که سر می‌کشیم، می‌بینیم که هر محله و شهر داری هر منطقه، در هر ماه از سال که فرصت یا امکانش بوده، یک جشنواره بادبادک، برگزار کرده‌است. جشنواره‌هایی که با به پرواز در آمدن بادبادک‌های رنگی در آسمان، باید باعث شادی و نشاط افراد هر منطقه و محله باشد. اما به سراغ بچه‌ها و والدین‌شان که می‌رویم، تازه می‌فهمیم که تمام نشاط و هیجان این جشنواره به پیش از شروع آن و در انتظار کشیدن برای آن، مربوط می‌شود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

شاید شما هم یادتان بیاید که شهریورماه، برای خیلی از ما، شروع یک ماه خاطر‌هانگیز و پر جنب و جوش بود. بادهای شهریور ی تهران، زمانی بود برای ساختن بادبادک و رفتن به پشت‌بام‌ها، و بادبادک ساختن، یعنی دست و پنجه نرم کردن با کاغذ الگویی خیاطی یا کاغذ گراف، با حصیر و مشقات و چالش‌های برش عرضی دادن به آن، و درست کردن سریشم. این ماجرا برای نسل‌های بعد هم به همین شکل، با کمی تغییر در ابزار، ادامه پیدا کرد. شهریور هر سال، هر محله برای خودش، با بچه‌های خودش، ماجراهای تلخ و شیرینی در پرواز بادبادک‌ها داشت. ماجراهایی به تلخی افتادن یکی دو تاز بچه‌ها از پشت بام، و به شیرینی بالاتر رفتن بادبادکی که چند تاز بچه‌ها به هم ساخته بودند؛ آن قدر بالا که نخ کم می‌آمد.

اما مدتی است درست کردن بادبادک و پرواز دادن آن، مثل خیلی از تفریحات و بازی‌های محلی، از انحصار مردم و محله و فصل خاص خودش در آمده است. شاید به این دلیل که با اتوبه‌سازی، «محله» معنا و کارکرد سابق خود را از دست داده است و مردم با ساکنان یک منطقه و محله، احساس هم‌بستگی و نزدیکی زیادی نمی‌کنند و بچه‌ها ارتباط چندانی با هم ندارند. دوستی بچه‌ها در محیطی غیر از محله‌ها شکل می‌گیرد و هم‌بازی‌های آنان را اگر خانواده انتخاب نکنند، مهد کودک‌ها و مدارس انتخاب می‌کنند و این یعنی احتمالاً بچه‌های دوست و هم‌بازی، چندان هم محله‌ای نیستند.

به اخبار مختلف که سر می‌کشیم، می‌بینیم که هر محله و شهر داری هر منطقه، در هر ماه از سال که فرصت یا امکانش بوده، یک جشنواره بادبادک، برگزار کرده‌است. جشنواره‌هایی که با به پرواز در آمدن بادبادک‌های رنگی در آسمان، باید باعث شادی و نشاط افراد هر منطقه و محله باشد. اما به سراغ بچه‌ها و والدین‌شان که می‌رویم، تازه

یادداشت

والدین و اوقات فراغت فرزندان



فانزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

در جوامع در حال گذار به دلیل تغییرات متنوع و متعدد که بسیاری از آنها زاییده تحولات صنعتی و پیچیدگی‌های آن است، مساله «فراغت» به عنوان یکی از شاخص‌های رفاه اجتماعی بیش از پیش نیازمند توجه است و بر همین اساس فعالیت‌هایی که در زمان «اوقات فراغت» انجام می‌شود، از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند چرا که تاثیر بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی افراد به خصوص نوجوانان و جوانان دارند. از اینرو تابستان که فرا می‌رسد موضوع چگونگی گذراندن روزهای گرم و بلند تابستان و نحوه گذراندن این ایام گاه به معضلی جدی برای خانواده‌ها تبدیل می‌شود. نوجوانان و جوانان بعد از نه ماه مطالعه سخت و طاقت‌فرسا در دوران مدرسه بخاطر فشارهای وارد شده در این ایام دایم منتظر آمدن فصل تابستان هستند تا از تعطیلات این دوره که اغلب به عنوان دوره‌ی استراحت مطلق یاد می‌کنند، حداکثر استفاده را ببرند و صرفاً به استراحت بپردازند تا خستگی نه

ماه درس خواندن را بدر کنند. در چنین شرایطی که فرزندان نقشه استراحت مطلق و خوابیدن‌های مکرر تا ظاهر هنگام و بیداری‌های شبانه تا دیر وقت را در سر می‌پروراندند، والدین بدون مشورت با فرزندان در حال تدارک ثبت نام آنان در «کلاس‌های آموزشی» هستند و بدون در نظر گرفتن علایق فرزندان‌شان، آنها را با زور و اصرار روانه کلاس‌های آموزشی می‌کنند. در همین راستا چون این کلاس‌ها بدون توجه به علایق و استعدادها ی فرزندان برنامه‌ریزی شده غالباً تداوم نمی‌یابند و در نتیجه بچه‌ها چندان سودی از آن نمی‌برند و بالطبع نتیجه‌مثبتی را به همراه نمی‌آورد. فرستادن به «کلاس‌های آموزشی» بد نیست اما مساله مهم و اساسی آن است که نباید با زور و فشار آوردن والدین، برنامه «اوقات فراغت» فرزندان برایشان حالت تکلیف را پیدا کند.

موضوعی که امروزه و در سال‌های اخیر بسیار شاهد آن بودیم همین مساله است که خانواده‌ها به اجبار دانش‌آموزان را بعد از فراغت از حضور در کلاس‌های مدرسه باز هم به کلاس‌های آموزشی تابستانی می‌فرستند و این در صورتی است که خود دانش‌آموز از این وضعیت اصراراضی نیست؛ حال سوال اصلی و مهم آن است که نقش خانواده‌ها در غنی‌سازی اوقات

فراغت چیست و چگونه می‌توانند این از ایام بدرستی استفاده کنیم تا از اوقات فراغتی پر بار و مفید بهره‌بریم؟ از دیدگاه روانشناسی «فراغت» یا «Leisure» مجموعه فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که فرد با رضایت خاطر برای استراحت و تفریح یا به منظور بسط و توسعه آگاهی‌ها یا مشارکت‌های اجتماعی داوطلبانه بعد از زهایی از تکالیف و الزامات شخصی، خانوادگی و اجتماعی به انجام آن می‌پردازد. از اینرو این پدیده اجتماعی می‌تواند دارای دو وجه کارکردی باشد: «اوقات فراغت» از طرفی می‌تواند فرصتی برای بروز استعدادها و توانمندی‌ها باشد و از طرفی دیگر نیز می‌تواند راهی برای شکل‌گیری برخی آسیب‌های اجتماعی محسوب شود.

مساله «فراغت» زمانی منجر به نتایج نامناسب و نامطلوب می‌شود که برنامه‌های جذاب، مفرح و نشاط‌آور آکنده از عناصر تربیتی و پرورشی و همچنین علاقمندی نوجوانان و جوانان در آنها در نظر گرفته نشود؛ مطالعات و بررسی‌ها در حوزه روانشناسی حاکی از آن است که «اوقات فراغت» همواره بستر مناسبی برای خلاقیت و نوآوری است و غرض از آن استراحت، تفریح، توسعه دانش و به کمال رساندن شخصیت خویشتن و همچنین به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها است. روانشناسان معتقدند والدین نقش بسزایی در ایجاد اوقات فراغتی پر بار و پویا برای فرزندان دارند و از اینرو با مراجعه به مراکز تخصصی و همچنین مشاوره با